

## تجزیه و تحلیل پدیده‌های امنیتی در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی؛ با استفاده از تکنیک تحلیل گفتمان

رضا طلایی<sup>۱</sup>

مهدی صالحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۱

### چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، تحلیل علمی پدیده‌های امنیتی است. پیچیدگی مأموریت‌ها، شرح وظایف و حساسیت‌های شغلی در این قبیل سازمان‌ها، باعث می‌شود تا کارکنان و مدیران همواره از متدولوژی علمی و مناسب برای نیل به هدف‌های سازمانی بهره‌جسته و در تجزیه و تحلیل صحیح و دقیق پدیده‌های امنیتی، اهتمام کافی و وافی داشته باشند. بدیهی است که یافته‌های تحلیلگران سازمان، در اختیار مسئولان عالی‌تر قرار گرفته و در اغلب مواقع، مبنای تصمیم‌های مهم و اساسی است. با این توصیف، اگر انبوهی از اخبار و داده‌ها را در اختیار داشته باشیم، اما نتوانیم آن‌ها را کنار هم گذارده، داده‌های زاید را حذف و اخبار و داده‌های با ارزش را پردازش و به‌طور کلی تحلیل علمی نماییم، تمام تلاش سازمان بی‌فایده خواهد بود. در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی موفق، همواره تحلیلگران حرفه‌ای، با ذوق، استعداد و توان تشخیص خود، مسائلی را درک می‌کنند که دیگران از درک آن عاجزند. یکی از بهترین تکنیک‌های موجود، استفاده از تکنیک تحلیل گفتمان می‌باشد. در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباط‌های غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود و واژه‌ها هر کدام به‌تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند؛ اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون، معانی متفاوتی دارند. در این پژوهش، روش تحقیق از لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر روش «توصیفی تحلیلی» و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. نتایج این پژوهش حاکی است که تحلیل گفتمان با استفاده از سه مرحله، به تحلیل دقیق و موشکافانه‌ای دست می‌یابد که می‌تواند به تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، به‌صورت جامع یاری رساند. در مرحله نخست یعنی توصیف متن، تحلیلگر به آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن دست خواهد یافت و در مرحله دوم یعنی تفسیر، تعامل بین متن و بافت را درخواهد یافت و در مرحله سوم یعنی تبیین، به تأثیر دو سویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها آگاهی خواهد یافت. به‌طور کلی با طی کردن این سه مرحله، می‌توان از تکنیک تحلیل گفتمان استفاده بهینه داشت و در تحلیل پدیده‌های امنیتی از آن استفاده کرد.

کلید واژه‌ها:

گفتمان / تحلیل / تحلیل گفتمان / سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی.

۱. عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌شمال، تهران - ایران

۲. کاردانی نرم‌افزار

### مقدمه

پیش‌نیاز اولیه سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی در فرایند اقدام‌های خویش، بهره‌جویی از تکنیک‌های تحلیلی است. در این قبیل سازمان‌ها تحلیل عبارت است از مربوط کردن چند معلوم به یکدیگر، برای به‌دست آوردن معلوم جدید. یا تبدیل کردن یک مجهول به معلوم. به عبارت دیگر؛ از نظر علم منطق، تحلیل عبارت است از سیر و حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول، به سوی یک سلسله مقدمات معلوم و سپس حرکت از آن مقدمات معلوم به سوی آن مطلوب، برای تبدیل آن به معلوم. به بیانی ساده‌تر، تحلیل عبارت است از کشف و حل روابط علی و معلولی میان اجزای یک پدیده، موضوع یا حادثه‌ای به جهت دستیابی به قوانین کلی حاکم بر حدوث آن رخداد.

امروزه یکی از تکنیک‌هایی که می‌تواند مورد استفاده تحلیلگران و کارشناسان سازمان‌های اطلاعاتی قرار گیرد، تکنیک تحلیل گفتمان است. هدف تحلیل گفتمان معطوف به جمع‌آوری جواب‌های دقیقی نیست، فقط این روش به ما کمک می‌کند که افق‌های دید خود را گسترش دهیم. به عبارت دقیق‌تر تحلیل گفتمان آنچه در پشت اعمال وجود دارد را روشن می‌کند. تحلیل گفتمان بر وجود پیام متن‌ها و قرارگرفتن آن‌ها درون یک زمینه اجتماعی و یا تاریخی تأکید می‌کند. وقتی شخصی قطعه‌ای از زبان را می‌خواند یا می‌شنود، نه تنها تلاش می‌کند معنای واژه‌ها را بفهمد، بلکه در صدد است که مقاصد نویسنده یا سخنگو را استنباط کند. پاره‌ای از جمله‌ها یا قطعه‌ای از گفتارها را از نظر معنا نمی‌توان فهمید، مگر اینکه انسان بداند چه کسی صحبت می‌کند، درباره چه چیزی یا چه

کسی حرف می‌زند، چه زمانی و در چه مکانی مطلب را بیان کرده است. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌توانند گفته شوند یا درباره‌شان فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی، و با چه نیتی صحبت می‌کند. گفتمان‌ها درباره موضوع‌ها صحبت کرده و هویت موضوع‌ها را تعیین نمی‌کنند، آن‌ها سازنده موضوع‌ها بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌دارند.

بر این اساس، هدف تحلیل گفتمان روشن کردن هیجان‌ها و سیاست‌هایی است که شامل بحث له یا علیه یک روش تحقیق خاص، قضیه یا ارزش است. تحلیل گفتمان از زمان پیدایش همواره در صدد بوده تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است؛ این امر ممکن است کاملاً آگاهانه و یا غیر عامدانه باشد.

با توجه به این مقدمه، مبرهن است که تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی به‌واسطه ماهیت کار خویش، می‌توانند پدیده‌های امنیتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در روند اقدام‌های خویش از این تکنیک بهره‌جویند. در این پژوهش، ابتدا به مفهوم تحلیل گفتمان پرداخته و سپس به ذکر هدف‌ها، اصول، ویژگی‌ها، انگاره‌ها و رویکردهای تحلیل گفتمان پرداخته و ضمن ذکر موارد استفاده از تحلیل گفتمان، راهکارهای لازم برای به‌کارگیری سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی از این تکنیک، ارائه خواهد شد.

## الف. کلیات

### ۱/الف. بیان مسئله

تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، نقشی انکارناپذیر در روند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدیران عالی سازمان دارند. به عبارت دیگر، تحلیلگران از طریق تجزیه و تحلیل پدیده‌های مختلف، به مدیران سازمان یاری می‌دهند تا در مقابله با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های متعدد، رویه‌ای منطقی و قابل قبول اتخاذ نمایند و به هدف‌های خود به‌نحو شایسته‌ای دست یابند. گاهی در مواجهه با پدیده‌های امنیتی، متأسفانه به مقوله تحلیل چندان علمی توجه نشده و شاید یکی از دلایل این کم‌توجهی، نشئت گرفته از

عدم آشنایی تحلیلگران با فنون و تکنیک‌های تحلیل باشد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، بایستی سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی در روند اقدام‌های خود، با رویکردی علمی به امر تحلیل اطلاعات و به خصوص تحلیل گفتمان پردازند و در این راستا، بهره‌گیری از نظریات و رویکردهای علمی، قطعاً تأثیر بسزایی در بهبود عملکرد سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی خواهد داشت. در واقع مسئله اصلی در این پژوهش، ناظر بر این است که تحلیل گفتمان چیست و این تکنیک در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی چه کاربردی می‌تواند داشته باشد؟ امری که در این پژوهش، به آن خواهیم پرداخت.

#### ۲/الف. اهمیت و ضرورت تحقیق

در تمامی جوامع، فلسفه اولیه وجود سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، دادن آگاهی یا اطلاعات نهایی نوعی گزارش یا خبر یا محصول‌های اطلاعاتی است که معمولاً مراحل متعدد اطلاعاتی و فرایندهای تجزیه و تحلیل، توضیح، تغییر و گزینش را طی کرده و مطابق با نیازمندی‌های مصرف‌کنندگان می‌باشد. این اطلاعات نهایی، تصمیم‌گیرندگان را قادر می‌سازد در جهت رفع تهدیدها و کسب منفعت و استفاده از فرصت‌های موجود و پیش‌آمده، دست به تصمیم‌های درست و قابل قبول بزنند. در این راستا تحلیل گفتمان، فنی است که با تکیه بر تکنیک‌های علمی، مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار را دنبال می‌کند. در حقیقت تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبان و فرا زبان آشکار می‌شوند.

با این توضیحات، می‌توان اذعان نمود که سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، از طریق بهره‌گیری از تحلیل گفتمان می‌توانند روند اقدام‌های تحلیلی خود را بهبود و ارتقا داده و در خصوص پدیده‌های امنیتی، تحلیلی مناسب و دقیق داشته باشند. بنابراین، این امر ضرورت انجام پژوهش را تبیین می‌نماید.

### ۳/الف. هدف‌های تحقیق

هدف اصلی: آشنایی با مقوله تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی.

هدف‌های فرعی:

۱. آشنایی با مفهوم تحلیل گفتمان؛
۲. تبیین هدف‌ها، اصول و ویژگی‌های تحلیل گفتمان؛
۳. شناخت انگاره‌ها و پیش‌فرض‌ها و رویکردهای تحلیل گفتمان؛
۴. تبیین موارد استفاده از تحلیل گفتمان؛
۵. ایجاد حساسیت در مسئولان و مدیران به توجه بیش از پیش به نقش و جایگاه تحلیل گفتمان در سازمان‌های حفاظتی و اطلاعاتی.

### ۴/الف. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی: تحلیل گفتمان چیست و چه کاربردی در سازمان‌های اطلاعاتی و

حفاظتی دارد؟

سؤال‌های فرعی:

۱. تحلیل گفتمان چیست؟
۲. هدف‌ها، اصول و ویژگی‌های تحلیل گفتمان کدام‌اند؟
۳. انگاره‌ها و پیش‌فرض‌ها و رویکردهای تحلیل گفتمان کدام‌اند؟
۴. موارد استفاده از تحلیل گفتمان چیست؟

### ۵/الف. روش تحقیق

روش تحقیق از لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر روش «توصیفی تحلیلی» با استفاده

از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

## ب. ادبیات نظری

### ۱/ب. تعاریف و اصطلاحات

#### • سازمان‌های اطلاعاتی

این‌گونه سازمان‌ها، تشکیلاتی هستند که در راستای دستیابی به هدف‌های سیاست خارجی کشور متبوع خود، در قالب سازوکارهای رسمی و غیررسمی، وظیفه انجام کلیه اقدام‌های اطلاعاتی و عملیات پنهانی را بر عهده دارند. این نوع سازمان‌ها طیف وسیعی از اقدام‌ها، از جمع‌آوری اخبار و اطلاعات گرفته تا انجام انواع عملیات پنهان و اقدام‌های ویژه نظیر عملیات روانی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و تجاری و اقتصادی را تحت پوشش‌ها و محمل‌های مختلف انجام می‌دهند.

#### • گفتمان

واژه گفتمان از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discursus» به معنی گفت‌وگو، محاوره، گفتار و از واژه «Discurrer» یا «Discursum» به معنای طفره رفتن، از سر بازکردن، تعلل ورزیدن و... گرفته شده است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل این واژه معانی متعددی ذکر کرده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. معنای گفتمان در وجه اسمی: مسیر رو به رشد، جریان روند یا توالی زمان،

حوادث، اعمال و...؛

۲. معنای گفتمان در وجه فعلی: دویدن، رفتن، حرکت کردن، پیمودن، طی

کردن، گذشتن و از سرگذراندن (بشیر، ۱۳۸۴: ۹).

گفتمان به معنای مجموعه یا دستگاهی بینشی است که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی نیز سایه می‌اندازد؛ بی‌آنکه کاربران همواره بر این ذهنیت و خصلت خاص تاریخی آن آگاه باشند (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا).

گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها<sup>۱</sup> و قضایای<sup>۲</sup> مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها، جمله‌گی بستگی به این نکته دارند که مطالب بیان شده، گزاره‌های مطرح شده، قضایای مفروض و... کی؟ کجا؟ چگونه؟ توسط چه کسی؟ علیه چه چیزی یا چه کسی؟ صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر؛ بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده کننده هر مطلب یا گزاره و قضیه، تعیین کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند.

گفتمان‌ها، مجسم کننده معنا و ارتباطات اجتماعی‌اند. گفتمان ممکن است به مثابه یک سیستمی از امکان تلقی شود. این امکان، همان است که اجازه می‌دهد تا ما احکامی را بسازیم که درست یا نادرست‌اند و این موضوع، طرح شاخه‌ای از معرفت شدن را ممکن می‌گرداند؛ لیکن قواعد گفتمان، قواعدی نیستند که افراد به‌طور آگاهانه پیروی کنند. گفتمان، یک روش یا نقطه ثقل یک بررسی نیست؛ بلکه مجموعه قواعدی است که پیش شرط‌های اولیه را برای شکل‌گیری احکام فراهم می‌سازد؛ به ترتیبی که آن‌ها به عنوان ورای سخنوران گفتمان قرار دارند. در واقع موقعیت، عمل و ویژگی دانایان، نویسندگان و شنوندگان یک گفتمان، عبارت است از وظیفه و کارکرد این نوع از قواعد گفتمانی (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

در تعریفی دیگر، گفتمان به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است؛ به بیانی دیگر، به کاربردن زبان در گفتار و نوشتار، بهر پدید آوردن معنا و مفهوم. گفتمان با جنبه فاعلی یک چهارچوب زبانی سروکار دارد، که طی آن فاعل خبر و یا روایتگر، با گذر از واژه‌های یک زبان و ارتباطات میانشان، می‌تواند به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، با اثرگذاری بر ساختار زبان، کنترل آن را در دست خویش گیرد و در جهت آنچه خود می‌پسندد و بدان گرایش دارد، به پیش برد (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا).

---

۱ . Statements

۲ . Premises

گفتمان عبارت است از کاربرد زبان به منزله یک امر اجتماعی و تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کیفیت کارکرد متن در بستر اجتماعی فرهنگی آن است (Fairclough, ۱۹۹۵: ۷).

### • تحلیل گفتمان<sup>۱</sup>

تحلیل گفتمان، روشی نوین برای پژوهش در متن‌های ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به کار رفته در پیام‌های ارتباطی کاربرد یافته است. این روش در آغاز تا حد زیادی وام‌دار زبان‌شناسی بوده است. بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست، بلکه معنی در «اوضاع و احوال» اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختمان جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و ده‌ها عامل دیگر مبتنی می‌باشد. به این ترتیب «معنی» در کُنه «شرایط اجتماعی» قرار دارد که هر پیام با توجه به وضع فرستنده و گیرنده، دستخوش دگرگونی می‌شود. از این منظر معنی‌شناسی را مطالعه «معنی» دانسته‌اند؛ به مفهوم مصداقی که در جهان خارج وجود دارد یا مبتنی بر مصداق‌ها به شکل نوعی تصویر<sup>۲</sup> در ذهن گوینده است و «تحلیل گفتمان» به معنی «تجزیه و تحلیل کلام» به مطالعه رابطه میان صورت و نقش در ارتباط کلامی می‌پردازد (امامی، ۱۳۹۳: ۳).

تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرا زبانی آشکار می‌شوند (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۴).

تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته (یا متن) کارکردهای فکری اجتماعی. در عمل تحلیل گفتمان در صدد کشف و تبیین ارتباط بین ساختار دیدگاه‌های فکری اجتماعی و ساختارهای گفتمانی است (پارمحمدی و خسروی نیک، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد و بنابراین واحدهای زبانی، نظیر مکالمات یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. Discourse Analysis

۲. Image



بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی، به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد (Schiffrin, ۱۹۹۴: ۱۹).

تحلیل گفتمان از سطح گفتار فراتر رفته و شامل گفتار، نوشتار و همچنین شامل ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن نیز می‌شود و مضامین خاصی را با خود به همراه دارد. تحلیل گفتمان از لحاظ روش در زمره تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد. ادعای تحلیل گفتمان، آن است که تحلیلگر در بررسی یک متن، از خود متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می‌پردازد (امامی، ۱۳۹۳: ۴).

## ۲/ب. پیشینه تاریخی تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که در اواسط دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در پی تحولات معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد. این گرایش به دلیل بین‌رشته‌ای بودن، به زودی به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی قرار گرفت (امامی، ۱۳۸۷: ۱).

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی «زلیک هریس» به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله، نگاهی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد (حاتمی و جبارنژاد، ۱۳۹۳: ۴).

بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و...) است. دیری نگذشت که بعضی از زبان‌شناسان این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند. دسته اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر

تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است. مطابق این تعریف، تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن<sup>۱</sup> سروکار ندارد، بلکه فراتر از آن، با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی<sup>۲</sup>، فرهنگی، اجتماعی و... سروکار دارد. بنابراین تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون‌زبانی [زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند» (همان).

البته زلیک هریس آن را در معنای وسیعی به کار گرفته است. او معتقد است بحث درباره گفتمان را از دو بعد می‌توان سامان داد: اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آن‌ها در سطح فرا جمله (متن) و دوم رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع. در بعد اول، اطلاعات صرفاً اطلاعات زبانی مدنظر است؛ ولی در بعد دوم، غیرزبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه زبان‌شناسی است، مدنظر قرار می‌گیرد (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۹).

«براون» و «یول» در تعریف تحلیل گفتمان می‌نویسد: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است؛ در این صورت، نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از هدف‌ها و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (همان).

تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد

---

۱. co- text

۲. context of situation

بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، سخن‌کاوی (تحلیل گفتمان) با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد. مجموع چند تعریفی که از تحلیل گفتمان در اینجا آمده، بیانگر آن است که زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان، دو دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگ‌تر از جمله تعریف می‌کند و دوم دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند. دیدگاه اول را که به شکل و صورت متن توجه می‌کند، ساختارگرا و دیدگاه دوم را که به کارکرد متن توجه دارد، کارکردگرا نامیده‌اند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگ‌تر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها بر می‌شمرد. دومی تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. این عده، اعمال و کردار مردم و همچنین مقاصد معینی را که آن‌ها در به کارگیری زبان بدان توجه دارند، مدنظر قرار داده و سعی می‌کنند معانی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی آن‌ها را بشناسند (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۱۰).

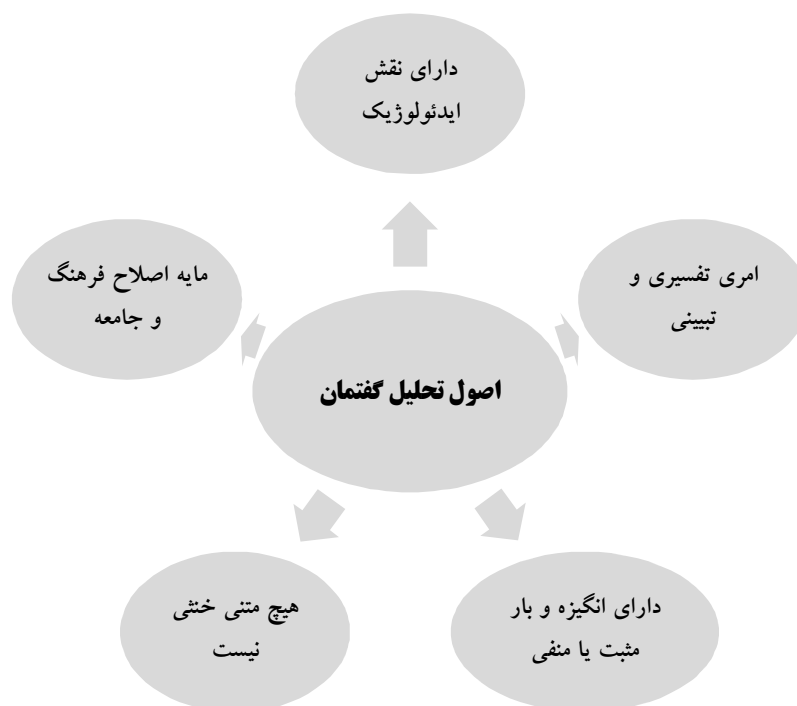
ورود تحلیل گفتمان به عرصه‌های دیگر علمی مثل علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات و در واقع خروج آن از انحصار زبان‌شناسی، به دوران جدید برمی‌گردد. در این دوران، تحلیل گفتمان را به صورت تحلیل انتقادی گفتمان استفاده کردند و آن را از صرف یک روش علمی برای تحلیل زبان، خارج کرده و با مکاتب و نظریات انتقادی مثل فرانکفورت، فمینیسم و... پیوند دادند؛ تا جایی که امروزه تحلیل گفتمان با دیدگاه انتقادی مترادف شده است. از جمله متفکرانی که در مغرب‌زمین، این‌گونه مطالعات را از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کرده و بدان شکل انتقادی دادند، می‌توان به میشل فوکو، ژاک دریدا و میشل پشو اشاره

کرد. این اندیشمندان، تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی گفتمان<sup>۱</sup> بسط و گسترش دادند. این ره‌آورد تفکر که در حقیقت روش متکاملی از روش کیفی را ترسیم می‌کند، از سال‌های ۱۹۸۰ و به‌ویژه در سال‌های پایانی قرن بیستم، به‌عنوان آخرین و گسترده‌ترین روش تحلیل مورد استفاده در علوم اجتماعی و ارتباطات و آخرین دستاورد اندیشه انسانی در تبیین مفاهیم و معانی جدید در عرصه زبان گفت‌وگو و متن نوشتاری، مطرح گردید (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۷).

### ۳/ب. اصول تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، به‌طور کلی می‌توان گفت تحلیل گفتمان دارای اصول زیر است:

۱. گفتمان نقش ایدئولوژیک دارد، و ایدئولوژی نیز گفتمان را شکل می‌بخشد؛
۲. فرهنگ و جامعه، به‌وسیله گفتمان ساخته می‌شود؛
۳. تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است؛
۴. تحلیل گفتمان نوعی تحلیل ایدئولوژیکی از متون است؛
۵. کاربرد خستی از زبان وجود ندارد، بلکه کلیه متون دارای انگیزه و بار ایدئولوژیکی هستند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱).



شکل ۱: اصول تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

#### ۴/ب. هدف‌های تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی:

۱. نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده؛
۲. روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن؛ یعنی «جریان تولید گفتمان»؛
۳. نشان دادن تأثیر بافت متن (واحد‌های زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان؛
۴. نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان (شرایط تولید گفتمان)؛

۵. نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ‌وقت به طور کامل درک نمی‌شود؛
۶. آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی؛ تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده تا نشان دهد که هیچ متن، گفتار یا نوشتاری بی‌طرف نیست؛ بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً غیرعمدی و ناآگاهانه باشد؛
۷. هدف عمده تحلیل گفتمان، این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... به دست دهد. مبادی فکری این روش، همان پیش‌فرض‌های پسامدرن هستند (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۲).

#### ۵/ب. ویژگی‌های تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

مهم‌ترین ویژگی‌های تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی عبارت‌اند از: نفی موضوع استعلایی در اندیشه؛ نفی فرا روایت‌های کلان مثل توسعه و ترقی؛ نفی سوژه خودمختار؛ نفی وحدت و قطعیت؛ تأکید بر خصلت تاریخی عقل و معرفت؛ عدم وحدت خرد؛ تعیین‌کنندگی گفتمان‌ها؛ کشیده‌شدن پرده زبان بر واقعیت؛ زبانی و نسبی بودن عقل و عدالت و حقیقت؛ وحدت ظاهری پدیده‌ها و ایجاد هویت با غیریت‌سازی؛ نفی قطعیت‌های اخلاقی؛ تکرار در حوزه‌های مختلف اجتماعی؛ تاریخی و گفتمانی دیدن پدیده‌ها؛ عدم امکان بازنمایی ناب جهان و واقعیت اجتماعی؛ تأکید بر وجود مفروضات پیشینی در تحقیقات به اصطلاح علمی اثبات‌گرایان و نفی ادعای ایشان مبنی بر بی‌طرفی علوم؛ نفی ارزش‌های جهان‌شمول؛ گفتمانی دیدن همه پدیده‌ها و نفی بنیاد و ذات ثابت؛ زمانی و مکانی بودن هر گفتمان و تاریخ‌مندی آن؛ رابطه دو سویه متن و زمینه؛ کاربست ایدئولوژیک گفتمان‌ها؛ نسبییت معانی و تثبیت موقت در هر گفتمان؛ بی‌اثر کردن تاریخ عقاید؛ نفی علت غایی؛ تابعیت معرفت نسبت به قواعد گفتمانی؛ بی‌بنیادی متافیزیک؛ اختیاری بودن دال و مدلول؛ تشکیل هویت‌های متمایز؛ نفی اوصاف ذاتی بشر به شیوه

عقل‌گرایی دکارتی؛ نفی حقیقت‌محوری؛ انکار دستیابی به حقیقت و... (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۷۱).

### ۶/ب. رویکردهای تحلیل گفتمان

فرایند تحلیل گفتمان که در فارسی معادل‌های دیگری نظیر سخن‌سنجی، سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار دارد، از نظر معنایی با سیر تکاملی همراه بوده است. این اصطلاح ترکیبی را اولین بار «زلیک هریس» به معنای تحلیل صوری، شکلی و ساختاری جملات و کل متن مورد بررسی، به کار بست. در واقع «هریس» تحلیل گفتمان را نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن در نظر گرفت.

بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در مقابل تحلیل متن به کار بردند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان، شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) است؛ ولی تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌ها) می‌شود. مراد این زبان‌شناسان از تحلیل گفتمان، تحلیل زبان محاوره‌ای و متون نوشتاری است (بهرام‌پور، ۱۳۸۷: ۸ به نقل از کرباسیان، ۱۳۹۳: ۶).

زبان‌شناسان بعدی، واحدهای بزرگ‌تر از جمله را در مطالعه زبان، مورد بررسی قرار داده و قائل شدند که در تحلیل نباید فقط به کلمات و جملات متن توجه کرد؛ بلکه واحدهای بزرگ‌تری مانند پاراگراف را هم باید مدنظر قرار داد. رویکرد دسته سوم را می‌توان رویکردی کل‌نگرانه دانست.

پس از دیدگاه‌های سنتی نسبت به تحلیل گفتمان، زبان‌شناسان بعدی از صرف پرداختن به خود متن در تحلیل‌ها، فاصله گرفتند و علاوه بر مطالعه (جزء‌نگر و کل‌نگرانه) متن، به مطالعه بافت موقعیتی آن نیز در تحلیل‌ها معتقد شدند. این‌گونه رویکرد، که اعتقاد زبان‌شناسان کنونی نیز می‌باشد، تحلیل گفتمان را شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است، دانسته و به جای توجه صرف به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، فراتر از

زمینه متن، عوامل بیرون از متن، یعنی زمینه موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را در تحلیل متن، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر این گروه، تحلیل گفتمان، نوعی مطالعه محصولات ارتباطی است که چگونگی شکل‌گیری معنا را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (خود متن) و بیرون‌زبانی (زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی)، مورد مطالعه قرار می‌دهد. طبق رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود را نیز در کنار مطالعه خود متن، بررسی می‌کند و هدف آن، این است که نشان دهد زمینه (بافت)‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات، چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند و نیز تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور چگونه است (بهرام‌پور، ۱۳۸۷: ۸ به نقل از کرباسیان، ۱۳۹۳: ۷).

بر اساس این رویکرد غیر سنتی، دیگر، نویسنده یک متن، خالق انحصاری معنای آن متن نبوده و بیش از آنکه وی در خلق معنا مؤثر باشد، خواننده متن، به وجود آورنده آن است. این امر، بدان معناست که ممکن است در شرایط مختلف، برداشت‌های مختلفی از یک متن به دست آید و قرائت‌های مربوط به یک متن در هر عصری، به لحاظ تفاوت خوانندگان، متفاوت گردد. البته این امر در صورتی است که بخواهیم با روش تحلیل گفتمان به معناشناسی متون پردازیم. در این روش، شاهد تعدد تحلیل‌ها به اندازه تعداد تحلیلگران خواهیم بود (همان).

#### ۷/ب. انگاره‌ها و پیش‌فرض‌های تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

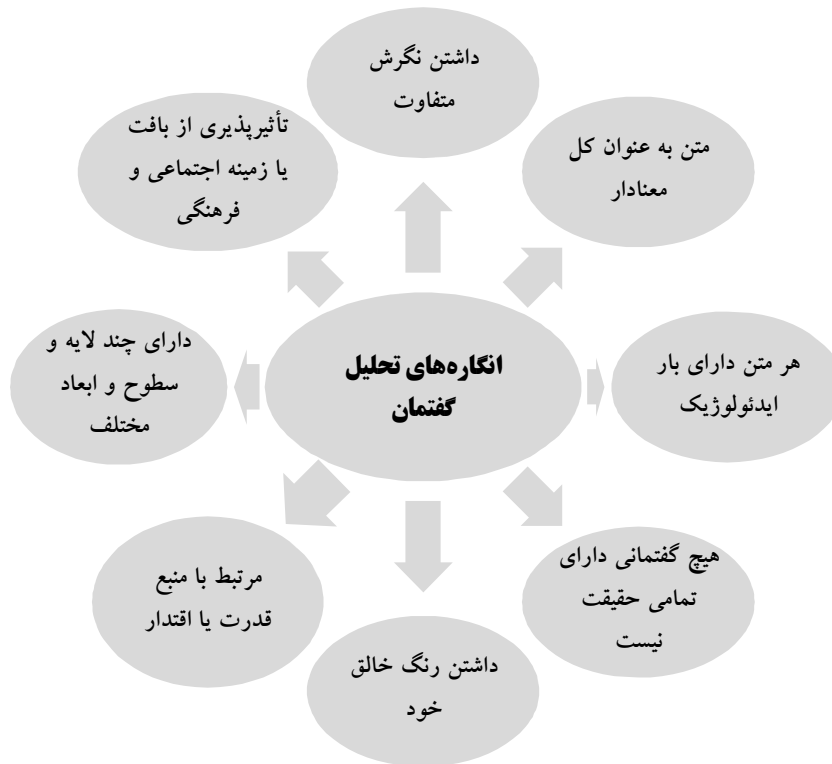
در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، تحلیل گفتمان مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که عبارت‌اند از:

۱. متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های گوناگون، متفاوت نگریسته می‌شود؛ یعنی انسان‌های گوناگون از متن واحد، برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت در این دیدگاه می‌تواند برای اشاره به مدلولی به ظاهر یکسان استفاده شود. بر اساس این دیدگاه، به همان اندازه که اثر انگشت افراد به



- یکدیگر شبیه، اما در عین حال متفاوت از هم هستند، نگاه‌های افراد هم به متن و تولید آن حتی در وضعیت‌های بسیار مشابه، اما عین هم نیست؛
۲. خواندن (برداشت و تفسیر از متن)، همیشه نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است. به بیان دیگر اگرچه متن محصول درک نویسنده است، متن را خواننده‌ای مرور می‌کند که درک دیگری از آن دارد؛
۳. متن را باید کلّ معناداری دانست که این معنا لزوماً در خود متن نیست. این عمق نگاه تحلیلیگر متن است که ادراک متن را در گستره تحلیل گفتمان، عمق و ژرفا می‌بخشد؛
۴. هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، هر متن دارای بار ایدئولوژیک است. متون پژوهشی از اعتقادهای نگارندگان آن‌هاست؛
۵. گفتمان‌ها از حقیقت عاری نیستند، اما تمامی حقیقت را هم دربر نمی‌گیرند. حقیقت همیشه در خطر است. تحلیل گفتمان به دنبال آن است که با تعمق در درون متون، به بیشترین میزان از فهم حقیقت دست یابد، اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست؛
۶. نحو یا متن<sup>۱</sup> نیز معنادار است؛ چون دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است. این معانی در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند (مانند رمزها، بافت‌ها، مشارکت‌ها و تاریخ متفاوت) وابسته‌اند. نحو ارتباط‌دهنده «آرایش شکلی متن» با «آرایش محتوایی متن» است؛
۷. هر متنی در موقعیت خاصی تولید می‌شود؛ از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود می‌گیرد. به بیان دیگر متون پژوهشی از شرایط شکل‌گیری آن‌ها، موقعیت پدیداری آن‌ها و همچنین انعکاسی از خالق خود در این موقعیت‌ها هستند؛

۸. معنا به همان اندازه که از متن ناشی می‌شود، از بافت متن<sup>۱</sup>، زمینه اجتماعی و فرهنگی یا همان بافت موقعیتی، نیز تأثیر می‌پذیرد. معنا و پیام یک متن در بین نوشته‌های آن متن قرار دارد. تحلیل گفتمان در رمزگشایی متن باید به بافت تولید متن و نیز بافت موقعیتی آن توجه کند؛
۹. هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار مرتبط است. اگرچه نباید ضرورتاً این منبع قدرت سیاسی باشد، نباید فراموش کرد که هر جا قدرت معنادار می‌شود، سیاست حضوری ناگزیر دارد؛
۱۰. گفتمان مفهومی تودرتو و در هم پیچیده است؛ مفهومی که لایه‌ها، سطح‌ها و ابعاد گوناگون دارد؛ نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان؛
۱۱. گفتمان‌ها گریز ناپذیرند. آدمی گفتمان‌آفرین است و در عین حال گفتمان‌پذیر. انسان‌هایی گفتمان‌آفرین هستند که در مقام تأثیرگذارندگان بر تأثیرپذیران، از آفرینش‌های گفتمانی خویش برتری می‌یابند (مطهرنیا، ۱۳۹۰: ۶).



شکل ۲: انگاره‌های تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

### ۸/ب. دلایل استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و

#### حفاظتی

تحلیل انتقادی گفتمان بر آن است که تحلیل دقیق متون باید به جزئی مهم از تحلیل‌های علمی و اجتماعی کل اعمال و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، تحلیل متن بهتر از هر روش دیگری می‌تواند فرایندهای اجتماعی را به هر شکلی که پدیدار می‌شوند با همه پیچیدگی‌شان، تناقض‌شان، ناکاملی‌شان و سرشت اغلب به هم ریخته‌شان توضیح دهد. البته نباید فراموش شود که تحلیل گفتمان متن‌های گفتاری و نوشتاری، باید بر تحلیل‌های نظام‌مند بافت اجتماعی‌شان منطبق باشد.

نورمن فرکلایف با این بینش به چهار دلیل معتقد است که باید به تحلیل متن، در چارچوب تحلیل گفتمان به عنوان بخشی از مجموعه‌های روش‌شناختی علوم اجتماعی، توجه بیشتری شود:

۱. دلیل نظری: این است که ساختارهای اجتماعی که در مرکز توجه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی قرار دارد، با عمل اجتماعی (که مورد توجه خاص تحلیل اجتماعی «خُرد» است) رابطه‌ای دیالکتیک دارد، به گونه‌ای که ساختارهای اجتماعی، هم شرط و منشأ عمل اجتماعی‌اند و هم ساخته آن؛ بنابراین باید یادآوری کرد که متن‌ها یکی از شکل‌های مهم عمل اجتماعی‌اند. نکته مهم دیگر اینکه اغلب و به غلط، زبان به مثابه واسطه‌ای شفاف و خنثی فرض می‌شود. بنابراین «کار» اجتماعی و ایدئولوژیکی که زبان در تولید و بازتولید و انتقال ساختارها، روابط و هویت‌های اجتماعی انجام می‌دهد، معمولاً «مغفول» می‌ماند؛
۲. دلیل روش‌شناختی: این است که متن‌ها منابع اصلی شواهدی هستند که ادعای ما درباره ساختارها، روابط و فرایندهای اجتماعی بر مبنای آن گذاشته می‌شود. شواهدی که ما برای این مفاهیم و ساخت‌ها در دست داریم، از اشکال گوناگون عمل اجتماعی و از جمله متن‌ها به دست می‌آیند؛
۳. دلیل تاریخی: این است که متن‌ها نمودارهای حساس فرایندها، حرکت‌ها و گوناگونی‌های اجتماعی‌اند و تحلیل متن می‌تواند شاخص‌های کاملاً مناسبی برای تغییرهای اجتماعی به دست دهند. متن‌ها برای فرایندهای جاری همچون تعریف مجدد روابط اجتماعی، بازسازی هویت‌های اجتماعی و انواع اشکال خود، یا بازسازی دانش و ایدئولوژی، شواهدی فراهم می‌آورند؛
۴. دلیل سیاسی: به آن دسته از علوم اجتماعی که هدف‌های انتقادی دارند، مربوط می‌شود. سلطه و کنترل اجتماعی بیش از پیش از طریق متن‌ها اعمال

می‌شود. بنابراین تحلیل‌های متنی، به عنوان بخشی از تحلیل انتقادی گفتمان، منبع سیاسی مهمی است (فرکلان به نقل از کیانی، ۱۳۹۳: ۱۱).

مطالعات گفتمانی هم باید به بررسی متن و گفت‌وگو و هم به بررسی زمینه یا بافت مشخصه‌های موقعیت اجتماعی یا رخداد ارتباطی که به‌طور نظام‌مندی بر متن و گفت‌وگو تأثیر می‌گذارند، پردازد. خلاصه آنکه مطالعات گفتمانی، بررسی گفت‌وگو و متن در چارچوب زمینه یا بافت است و این تحلیل و بررسی متون از آن جهت اهمیت دارد که در دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان بین رخداد‌های «خرد» (از جمله رخداد‌های کلامی) و «ساختارهای کلان» پیوندی وجود دارد. به این ترتیب که ساختارهای کلان از سویی دربرگیرنده شرایط تحقق رخداد‌های خرد و از سوی دیگر نتیجه آن‌ها هستند. یا به بیان «فان دایک» رشته‌های بسیار کمی فرصت‌هایی این‌چنین در اختیار ما قرار می‌دهند تا برای بررسی اینکه چگونه مردم زبان را به‌کار می‌برند، فکر می‌کنند، درگیر تعامل می‌شوند و چگونه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌های خود را شکل می‌دهند و بازتولید می‌کنند، دقت صوری را با چارچوب‌های توضیحی گسترده ترکیب می‌کنند (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۲).

#### ۹/ب. تحلیل گفتمان به‌مثابه یک روش تحلیل در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

بنیان‌های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار یا تحلیل گفتار است. گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را دربر می‌گیرد. در تحلیل گفتمان، تأکید بر این است که رابطه‌ای تعاملی بین متن<sup>۱</sup> و زمینه<sup>۲</sup> وجود دارد. همچنین رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی بین «گفتمان، قدرت، معرفت و حقیقت» وجود دارد. در تحلیل گفتمان مجموعه اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر یک به‌تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند، اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی

۱ . text

۲ . context

متفاوتی دارند. برای مثال، رستگاری برای یک انسان دین‌دار مسیحی، معنایی متفاوت با رستگاری برای یک انسان غیر دین‌دار دارد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۴/۲۹).

### ۱۰/ب. روایی و پایایی در تحلیل گفتمان

یکی از مؤلفه‌های اصلی روش‌های مختلف تحقیق، بررسی روایی و پایایی آن روش تحقیق و تحلیل است. روش تحلیل گفتمان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین لازم است در باب روایی و پایایی این روش تحلیل نیز نکاتی بیان شود، هرچند که به لحاظ تفسیری و کیفی بودن، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد.

گفتمان یا تحلیل انتقادی همیشه یک مسئله تفسیری بوده است. در این روش با داده‌هایی که در طول تحلیل گفتمان جمع‌آوری شده است، مشکلی نداریم؛ مهم این است که در یک تحقیق که با این روش انجام می‌شود، روایی و پایایی و یافته‌های آن، وابسته به بحث‌های منطقی‌ای است که در تحلیل وجود دارد. اعتبار تحلیل گفتمان به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است. البته این روش‌ها به تناسب روش‌های گفتمانی و گستردگی از جزء به کل در مباحث متنی و ساختاری و اجتماعی متفاوت است؛ اما همگی در کل از یک سیاق که همان تحلیل گفتمان است، بهره می‌برند (همان منبع).

### ۱۱/ب. تفاوت تحلیل گفتمان با تحلیل محتوا

روش «تحلیل گفتمان» یک روش کیفی است که از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها حاصل شده است، اصطلاحی که شالوده زبان‌شناسی دارد. در حالی که تحلیل محتوا یک روش کمی است و بر اساس اندازه‌گیری، مقدار چیزی در یک نمونه سنجیده می‌شود. «تئو. ای وان دایک» چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. تحلیل گفتمان یک پیام رسانه‌ای را به عنوان یک گفتمان تمام‌عیار مستقل بررسی می‌کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط (یا همبستگی‌ها) میان این و یا آن ویژگی - اغلب محتوا و گاهی سبک - پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده/سخنگو یا خوانندگان انجام می‌گیرد.

گفتمان رسانه‌ای به عنوان شکلی از «عمل اجتماعی» کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح، هدفی معقول محسوب می‌شود؛

۲. هدف تحلیل گفتمان اغلب تشریح داده‌های کیفی است و نه داده‌های کمی. البته معیارهای کمی را می‌توان به خوبی بر تحلیلی آشکار از نوع عمدتاً بیشتر کیفی بنیان نهاد؛

۳. درحالی که تحلیل محتوا اغلب بر مبنای داده‌های قابل مشاهده و محاسبه‌پذیری چون واژه‌ها، عبارات، جمله‌ها مبتنی است، تحلیل گفتمان به ساختارهای معناشناختی توجه دارد و فرض‌ها، ارتباط‌ها، دلالت‌ها و راهبردها را هم روشن می‌سازد. به دیگر سخن در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری، با معناشناسی کاربردی متن سروکار داریم؛

۴. فنون پیشرفته‌تر تحلیل محتوا هم راجع به ساختارهای زبانی است و با بحث‌های زبان‌شناسی درآمیخته شده است، اما مطلقاً به آن نمی‌توان تحلیل گفتمان گفت؛ چرا که تحلیل گفتمان افق‌های بسیار دورتری را دنبال می‌کند. اصولاً تحقیقات کیفی چنین است و تحلیل گفتمان هم به عنوان یکی از الگوهای تحلیل کیفی، از این مشخصه بهره‌مند است (امامی، ۱۳۸۷: ۷).

#### ۱۲/ب. موارد استفاده از تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی

تحلیل گفتمان می‌تواند در مورد هر زمینه‌ای و یا در مورد هر مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود. چون تحلیل گفتمان اساساً یک خوانش تفسیری و ساختاری است، پس از هیچ رهنمود ویژه‌ای پیروی نمی‌کند؛ در واقع یک راهنمایی دقیق و خاصی برای این روش وجود ندارد و به همین دلیل با توجه به ماهیت کار سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، می‌تواند در این قبیل سازمان‌ها نیز استفاده شود. هدف تحلیل گفتمان معطوف به جمع‌آوری جواب‌های دقیقی نیست، فقط این روش به ما کمک می‌کند که افق‌های دید شخصی‌مان را گسترش دهیم. به همان اندازه که می‌توانیم به افق‌های دید دیگران دست

یابیم، می‌توانیم برنامه کار و هیجان‌های ناشناخته و نارسایی‌های خودمان را بهتر بشناسیم. به عبارت دقیق‌تر تحلیل گفتمان آنچه در پشت اعمال وجود دارد را روشن می‌کند. برای مثال تحلیل گفتمان نظریه‌های علوم کتابداری را به کار می‌برد و در برابر اعتبار و درستی روش تحقیق (کمی یا کیفی) بحث نمی‌کند و بیان یا ارزش خاصی را نشان نمی‌دهد. تحلیل گفتمان بر وجود پیام متن‌ها و فرارگرفتن آن‌ها درون یک زمینه اجتماعی و یا تاریخی تأکید می‌کند. هدف تحلیل گفتمان روشن کردن هیجان‌ها و سیاست‌هایی است که شامل بحث برای یا علیه یک روش تحقیق خاص، قضیه یا ارزش است. تحلیل گفتمان و تفکر انتقادی برای هر موقعیت و هر موضوعی کاربردی است. نگرش تازه که با تحلیل گفتمان فراهم شده است، راه را برای رشد شخصی و ابتکار در سطح بالا باز می‌کند. تحلیل گفتمان معتبر می‌تواند منجر به تغییرهای زیادی در آداب و رسوم، نهادها، حرفه‌ها و یا جامعه به عنوان یک کل شود. بنابراین تحلیل گفتمان نمی‌تواند جواب دقیقی فراهم کند. تحلیل گفتمان علم سختی نیست، اما دانش و نگرشی مبتنی بر استدلال و بحث‌های مستمر است (حاتمی و جبارنژاد، ۱۳۹۳: ۸).

### ۱۳/ب. روش نورمن فرکلاف در خصوص تحلیل گفتمان

«نورمن فرکلاف» تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مدنظر قرار می‌دهد. او معتقد است: متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده، بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان گفتمان می‌گویند. متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن مؤثرند و هم در فرایند تفسیر متن. فرایند تولید و تفسیر با همدیگر دارای تعامل و کنش متقابل بوده و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌سازند.

یک متن علاوه بر بافت متن و فرایند و تفسیر متن، به شدت متأثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید و یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی، تأثیر بسیار بیشتری



نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد. نورمن فرکلاف سه سطح را در خصوص تحلیل گفتمان به کار می‌گیرد که در ادامه تشریح می‌گردد:

سطح اول: گفتمان به‌منابۀ متن (توصیف)

مجموعه ویژگی‌های صوری‌ای که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به عنوان انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند. به منظور تفسیر ویژگی‌هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولاً توجه به دیگر انتخاب‌های ممکن نیز ضروری است؛ یعنی انتخاب از میان نظام‌های گزینه‌ای انواع گفتمان‌هایی که ویژگی‌های موجود از آن‌ها گرفته شده‌اند. در نتیجه در تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و انواع گفتمان‌هایی که متن از آن‌ها استفاده می‌کند، در نوسان است. مثلاً به این سؤال‌ها در خصوص واژگان در متن پاسخ می‌دهیم:

۱. کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع روابط معنایی به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟
۲. کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که رسمی یا محاوره‌ای باشند؟
۳. کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟
۴. در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟
۵. از جهت دستوری: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟
۶. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری، امری) استفاده شده است؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟ آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است؟ و اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آن‌ها چگونه بوده است؟

۷. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟
۸. جملات (ساده) چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن، از چه ابزارهایی استفاده شده است؟
۹. از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟
۱۰. متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است.
- سطح دوم: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (تفسیر)
۱. بافت یا زمینه: تفسیرهای گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی چیست؟
۲. انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود و در نتیجه، کدامین قواعد، نظام و اصول در زمینه نظام آوایی، دستوری، انسجام جمله‌ای، واژگان، نظام‌های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می‌شود؛ و نیز کدام چارچوب‌ها؟
- در واقع مرحله تفسیر، روشن می‌سازد که فاعل‌ها در گفتمان مستقل نیستند. این مرحله به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌ها، که کنش‌های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل می‌کند، نخواهد بود. به منظور تحقق چنین هدفی، مرحله تبیین هم ضروری است.
- سطح سوم: در این سطح که سطح کلان است، گفتمان به مثابه زمینه است (تبیین) می‌توان از مرحله تفسیر به تبیین، با توجه به این نکته گذر کرد که با بهره‌گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای به عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یاد شده بازتولید خواهد شد. این بازتولید برای گفتمان پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخودآگاه است؛ این امر در واقع به نوعی در مورد تولید و تفسیر نیز صدق می‌کند.
- بازتولید مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، زیرا در حالی که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار

می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرهای دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد.

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است؛ تبیین گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را جهت می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرهای بازتولیدکننده‌ای می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیرهایی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. دانش زمینه‌ای واسطه تعیین اجتماعی این تأثیرهاست؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند و این یکی شکل‌دهنده گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها دانش زمینه‌ای را حفظ می‌کنند یا آن را تغییر می‌دهند و این دومی باز به نوبه خود حافظ یا تغییردهنده ساختارهاست.

منظور از ساختارهای اجتماعی هم، همان مناسبات قدرت است و هدف از فرایندها و اعمال اجتماعی، فرایندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است. بنابراین تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.

آنچه را در مورد تبیین باید گفت، در قالب سه پرسش زیر مطرح می‌کنیم:

۱. عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی،

اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان موثر است؟

۲. ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند،

دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند؟

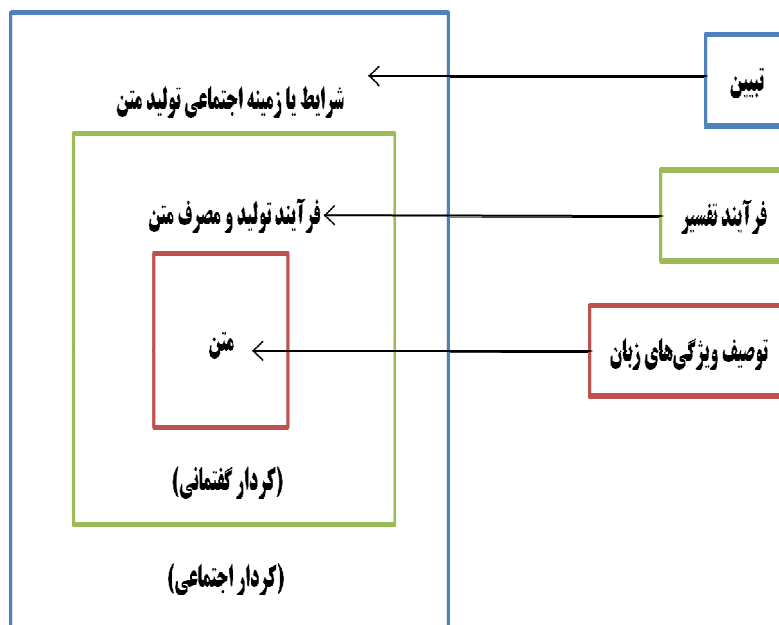
۳. تأثیرها: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی،

اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا

گفتمان یاد شده نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری است یا خلاق؟ آیا در

خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن

عمل می‌کند؟



شکل ۳: مدل نورمن فرکلاف در خصوص تحلیل گفتمان (اقتباس از محسنی، ۱۳۹۱: ۶۳)

#### ۱۴/ب. چند مثال در خصوص تحلیل گفتمان

مثال ۱: در فصلنامه رسانه، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۲، تحقیقی از سوی دکتر محمد مهدی فرقانی با عنوان «تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران» (از مشروطه تا خاتمی) منتشر شده که بر اساس روش «تحلیل گفتمان» صورت گرفته است. محقق برای بررسی گفتمان حاکم در زمینه توسعه سیاسی، یک روزنامه که نماینده گفتمان حاکمیت بوده است را انتخاب و از میان سرمقاله‌های آن، متن معرف برگزیده شده و با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان، این متون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا یافته‌های آن بر مبنای تحلیل شرایط و بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی، تبیین شوند. این مقاله در پی آن بود که گفتمان مسلط توسعه سیاسی را در سرمقاله‌های

روزنامه‌های هشت دوره مزبور، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد تا از خلال آن عناصر و ساخت گفتمان حاکم در هر دوره و در نهایت سیر تحول گفتمان توسعه سیاسی در یکصد سال اخیر را بازشناسی و معرفی کند.

مثال ۲: پایان‌نامه آقای اردشیر زابلی‌زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، به تحلیل گفتمان هفته‌نامه‌های استان کردستان پرداخته است. در این تحقیق، به بررسی عملی و محتوایی متون سرمقاله‌های سه نشریه استان پرداخته شده است. بنابراین «جامعه آماری» این تحقیق عبارت بودند از: نشریات استانی آیدر، سیروان، ئاسو در سال ۱۳۸۲ که به صورت روش «نمونه‌گیری تصادفی ساده» و از بین ۵۰٪ مطالب نشریات فوق در این تحقیق استفاده شده است. «واحد تحلیل» مضامین و معنای مقالات و سرمقاله نشریه بوده است.

«روش گردآوری اطلاعات» در تحلیل گفتمان، اطلاعات و داده‌ها موجودند و محقق صرفاً سعی می‌کند بر اساس فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق، اطلاعات لازم را گردآوری نماید. در واقع نوعی ابزار غیر تصدیعی (غیر مزاحم) در اختیار محقق می‌باشد و محقق مجبور به گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات به صورت غیرمنسجم موجودند؛ فقط نقش وی تنظیم و تنسيق اطلاعات بر اساس سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق بوده است (امامی، ۱۳۹۳: ۷).

### نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر بر آن بودیم که به دو پرسش اساسی پاسخ گوئیم: تحلیل گفتمان چیست؟ کاربرد تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی چیست؟ برای پاسخ منطقی به این پرسش‌ها، در مرحله نخست تعمق در معنا و مفهوم گفتمان لازم است؛ تا با در نظر داشتن معنا و مفهوم آن، بتوان به تعریف و درکی پذیرفته شده از تحلیل گفتمان دست یافت. آنچه حاصل شد، نشان داد که تحلیل گفتمان از سطح گفتار فراتر رفته و شامل گفتار، نوشتار و همچنین شامل ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن نیز می‌شود و مضامین خاصی را با خود به همراه دارد. در واقع تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند

در بررسی یک متن، از خود متن فراتر رفته و وارد بافت یا زمینه متن شوند. یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن پردازند. تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، می‌توانند با بهره‌گیری از این تکنیک، در تحلیل پدیده‌های امنیتی، به میزان بیشتری از حقیقت موضوع مورد مطالعه دست یابند؛ زیرا هیچ متنی خالی از حقیقت نیست و تمام حقیقت نیز در هیچ متنی وجود ندارد.

در پاسخ به سؤال دوم، همان‌طور که قبلاً گفته شد، تحلیل گفتمان می‌تواند در مورد هر زمینه‌ای و یا در مورد هر مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود. چون تحلیل گفتمان اساساً یک خوانش تفسیری و ساختاری است، پس از هیچ رهنمود ویژه‌ای پیروی نمی‌کند، در واقع یک راهنمایی دقیق و خاصی برای این روش وجود ندارد و به همین دلیل با توجه به ماهیت کار سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، می‌تواند در این قبیل سازمان‌ها نیز استفاده شود. تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی، از طریق بهره‌گیری از تکنیک تحلیل گفتمان می‌توانند در شناخت سیر ظهور، هژمونی و زوال گفتمان‌ها و چگونگی تثبیت گزاره‌های حقیقت در درون یک گفتمان خاص و نیز روند اقدام‌های تحلیلی خود را بهبود و ارتقا داده و در خصوص هر پدیده امنیتی، تحلیل علمی مناسب و دقیقی داشته باشند.

#### پیشنهادها و راهکارها:

- اعتلای فرهنگ سازمانی در زمینه بهره‌گیری تحلیلگران سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی (اعم از صف و ستاد) از تکنیک تحلیل گفتمان و تشویق و ترغیب کارشناسان برای استفاده از این تکنیک؛
- سرفصلی تحت عنوان «تحلیل گفتمان» در دوره‌های عرضی یا طولی برنامه‌های آموزشی سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی در برنامه تفصیلی مربوطه درج گردد؛

- اعمال سیاست‌های تشویقی و ترغیبی در خصوص تحقیق و تألیف کتب و مقاله در زمینه تحلیل گفتمان در سطح سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی؛
- بسترسازی برای بهره‌گیری بهینه از تجارب و ظرفیت‌های جامعه اطلاعاتی و جامعه دانشگاهی؛
- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مستقلی پیرامون همین موضوع، البته برای کاربردی نمودن اقدام‌ها و فرایندهای مربوط به تحلیل گفتمان در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی صورت پذیرد؛
- برگزاری اتاق فکر، همایش‌ها، کنفرانس‌ها، گردهمایی تخصصی و هم‌اندیشی علمی در راستای بهره‌گیری بهینه از تکنیک تحلیل گفتمان در سطح سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی؛
- تعیین اولویت‌های پژوهشی مرتبط با حوزه تحلیل گفتمان در دفتر تحقیق و پژوهش سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی و اطلاع‌رسانی به محققان جهت انجام پژوهش در این راستا.

## منابع

- امامی، حسین (۱۳۸۷)، «تحلیل گفتمان ۲»، مؤسسه فرهنگی و هنری نور راسخون.
- امامی، حسین (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان»، انتشار در Vista News Hub، مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۹.
- بشیر، حسن (۱۳۸۴)، «تحلیل گفتمان؛ دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی»، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حاتمی، علی، جبارنژاد، سمیرا (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی علوم سیاسی»، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- «دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا».
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴)، «قدرت، گفتمان و زبان»، تهران: نی.
- فیلیپ، مارک (۱۳۸۱)، «میشل فوکو»، ترجمه یعقوب موسوی، فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان، شماره پنجم.
- کرباسیان، قاسم (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان»، پژوهشکده باقرالعلوم(ع).
- کیانی، کیان (۱۳۹۳)، «تحلیل انتقادی گفتمان به مثابه یک روش»، انتشار در وبسایت شخصی.
- لوونتال، مارک.ام (۱۳۸۷)، «فرایند اطلاعات از اسرار تا سیاست»، ترجمه علیرضا غفاری، تهران: انتشارات دانشکده امام باقر(ع).
- محسنی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، نشریه فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، تابستان.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان یا بحران مفاهیم؟!»، انتشار در سایت باشگاه اندیشه.



▪ یارمحمدی، لطف‌الله، خسروی نیک، مجید (۱۳۸۲)، «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و

بررسی دیدگاه‌های فکری اجتماعی»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۴۲.

- Fairclough, N. (۱۹۹۵). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London and New York: Longman.
- Schiffrin, Deborah (۱۹۹۴) *Approaches to Discourse*. Oxford: Blackwell.